



بنام کردستان بزرگ

Under Name of Great Kurdistan

دوستان عیب کنندم که چرا دل به تودام!  
باید اول به توگفتن که چنین خوب چرائی؟

\*\*\*\*

کتاب کرد و کردستان

نویسنده : واسیلی نیکیتین

قونسول روسیه در ارومیه

1915 - 1918

عضوانجمن آسیایی وانجمن نژاد شناسی پاریس

عضو دایمی موسسه بین المللی مردمشناسی و

عضو وابسته آکادمی سیاسی - بین المللی.

\*\*\*\*

مترجم : محمد قاضی

1363

گرد آورنده: سرهنگ چیا

فصل پنجم

خانواده کرد: مسکن، پوشاک، خوراک

نقش زن، آداب خانوادگی

1 . خانواده، ده، چادر

نوع مسکن کرد بر حسب ارتفاع محل و مقتضیات اقلیمی تغییر می کند. خانه ها ساخته از گل یا از سنگ در زمینهایی که ارتفاع آنها از سطح دریا به 900 متر ( در فلات ارمنستان ) یا به 1000 متر ( در دامنه های توروس ) می رسد دیده میشود. از ارتفاع 1000 تا 2500 متری مسکن زی زمینی می شود. و سرانجام، در بالاتر از 2500 متر تا 4000 متر فقط فقط چادر و آن هم در فصل تابستان دیده می شود.

معهدا، این طبقه بندی خیلی هم قاطع نیست، چه، ما خانه های کردی ساخته در سطح زمین دیدیم که در ارتفاعی بیش از 1000 متر در منطقه اورامار بنا شده بود. به به نظر می رسد خانه های زیر زمینی ساخته در ارمنستان تنها به علت آب و هوا و حفاظت از گرما نیست بلکه ملاحظات امنیتی که تامین آن در آن منزلها آسانتر است نیز در این امر دخالت دارد. ( تمام دهکده به صورت مجموعه عظیمی ساخته شده که طول هر ضلع جانبی آن از چهل تا پنجا متر است و تنها یک بام بشکل سکویی گلی روی مجموعه آن خانه ها را پوشانده است، بطوری که آدم اگر قبلا ندانسته باشد بام است ممکن است آن را با کف زمین اشتباه بکند.... در داخل آن مجموعه راهروهای پیچا پیچ و درهم و برهمی است با اتاقهایی که در آنها انسان و حیوان قاتی پاتی با هم می خوابند و زندگی یکسانی دارند. ) ( **بیندر Binder** ، همان کتاب، صفحه 157 ).

تجمع خانه ها در جاهایی که خطر حمله دسمن ایجاب کند به صورت فشرده است لیکن، در بعضی دره های عمیق یا دره هایی که دسترسی به آنها مشکل باشد و یا طبیعت خود زمین طوری باشد که ساکنان آن در حفاظ باشند خانه ها به صورت پراکنده ساخته شده اند. در آن گونه جاها، کلبه های جدا از هم و حتی خانه های تک افتاده که از کمترین تسهیلات برای چسبیدن به شیبهای تند کوهها استفاده میکنند دیده می شود. در جاهای دیگر، مثلا در **اردلان**، عامل حاصلخیزی زمین است که نوع تجمع خانه ها را تعیین میکند. در دره های حاصلخیز، دهات خیلی به هم نزدیکند و حال آنکه در قسمت کوهستانی و مشجر بیشتر دهکده های فاصله دار از هم به چشم میخورند. خانه های منطقه **اورامار** احتمالا از نوع تحول یافته تری هستند. در واقع، آن خانه ها از سنگ و با ملاط آهک ساخته شده اند، کاری که در جاهای دیگر به ندرت دیده می شود؛ و چهار چوب درها که از سنگ تراش اند قابهای طاق مانند محکمی تشکیل داده اند. این خانه ها که تا نیمه در دامنه کوه فرو رفته اند

یک طبقه اند. از اتاقهای طبقه همکف بصورت طویل و اصطبل و انبار و آشپزخانه استفاده میشود. آن اتاقها تاریکند و چند هوا کش بجای پنجره در آنها تعبیه شده است. خود طبقه رو به جنوب ساخته شده است، در زمستن غلات را در آن انبار می کنند، و در تابستان محل سکونت است. سقف آن را با چند تیر چوبی. معمولا از درخت تبریزه تراش نداده و پوست نکنده که دو سر آنها را روی دیوارها می گذارند ساخته اند. روی آن تیرها را با شاخ و برگ درخت می پوشانند، سپس روی آن علف هایی میریزند، آن را گل اندود می کنند و خاک می پاشند و با غلطک صاف و هموار میکنند. بام این سقف ها بسیار محکمند و تقریبا در هنه جا تنها سطح صاف و یک دستی هستند که می توان از آنها برای کارهای مختلف، از جمله پنبه زنی و گندم کوبی استفاده کرد.

آدم وقتی به کردستان سفر میکند اغلب اتفاق میافتد که مناسبترین جا برای اتراق کردن یکی از همین بامها است. بعلاوه، این بامها تمیزترین جای ده هستند. به هر حال دهات کوهستانی کردستان بر آبادیهای فلات ارمنستان که به لانهء موش می مانند و کثیف و تاریک و فاقد نور و هوا هستند بسیار ترجیح دارند.

تابستان در این دره های عمیق شبها هوا بسیار گرم میشود، به همین جهت ساکنان دره ها عادتاً به: ( **زومه** ) Zoma : ( زومه به محل تجمع سیاه چادرها و خیمه های دامداران در بیلاق گفته می شود. ( **احمد قاضی** ). یعنی منزل تابستانی خود که در ارتفاع بیشتری قرار گرفته است میروند. با این وصف، عده ای باید در پایین بمانند تا از تاکستان ها مواظبت کنند و به آبیاری مزرعه های کوچک ذرت و برنج و ارزن و توتون که در قطعات مشخص زمین پراکنده اند برسند. این عده سکوهای بلند با داربست ( **هه رز ال Herzal** ) برای خود می سازند که ارتفاع آنها اغلب به بیست پا می رسد، و شب را روی آنها می گذرانند. این **هه رزالها** مزایای زیادی دارند، از جمله انسان روی آنها از گزند پشهء مالاریا و جانوران درنده در امان خواهد بود، هوای آن برای خوا- بیدن صافتر و تمیزتر است و بعلاوه پستههای دیده بانی بسیار خوبی هم هستند.

ترتیبات داخلی منزل کرد در همه جا یکسان نیست و شرحی در ذیل میآید در بارهء نوع متوسطی از آن است که تقریبا بیشتر رایج است. بطورکلی، خانه دارای دو قسمت اصلی است؛ قسمت اول که خودشان آن را ( **کولان Koulan** ) می نامند: ( **کولان**: در زبان کردی مکرری به معنای محله است. ) مترجم. **کولان**: یک نوع دالان یا راهرو است

که در آن کوزه های اب و هیزم و مواد سوختنی دیگر و جاروب و غیره نگاه میدارند و انبار تابستانی یا ذخیره (کوچیک Koutchik) نیز در همان جا واقع است.

قسمت دوم اتاقی است که در آن زندگی می کنند. در وسط آن **تنور** قرار دارد که به شکل یک کوزه بزرگ فرو کرده در زمین است. در سمت راست در ورودی و در سرتا-سر طول دیوار اتاق سکی باریکی است از گل: (**دوشکی رونیشتنی**) که روی آن نمد یا گلیم می اندازند. رو به روی در ورودی و چسبیده به دیوار تهی اتاق یک نوع چهار پایه پهنی است از تخته که روی تیرهایی (کولین Kouline) کوبیده شده اند.

روی این چهار پایه رختخوابهای افراد خانه گذاشته میشود که بر روی آن یک گلیم می کشند؛ در زیر چهار پایه هم مشکهای کره زنی و کره و گوشت قورمه شده و پنیر و (کشک) نگاه میدارند. مردان عموماً روی (**دوشکی رونیشتنی**) مینشینند، و زنان و کودکان در سمت چپ تنور، در کنار کد بانوی خانه، که در جلوش سه پایه: (سه کوچه Swkoutche) قرار دارد با دیگ غذا، و او با ملاقه بزرگی (هیسکو Hyskou) از آن دیگ غذا بر می دارد و به همه می دهد که بخورند.

در زمستان برای خوابیدن، کرسی روی تنور می گذارند. روی کرسی لحاف میاندازند و همه دور تا دور زیر کرسی می خوابند. و اما چادرهای ایلات چادر نشین منزههای سبک و قابل حمل و نقلی هستند که آنها را به آسانی از زمین بر می چینند و بر پشت یابو به هر جا که بخواهند حمل میکنند. این سهولت حمل و نقل چادر با سیر حرکت ایل به سمت چراگاهها همآهنگی دارد. در بهار و پائیز که روزها هوا خنک است و شبها سرد چادرها را در دامنه های رو به جنوب و در درجه حرارت ملایمتری نصب می کنند. اردوگاهها تقریباً همیشه در منتهی الیه سفلی چراگاه قرار دارند، یعنی در بهار و تابستان وقتی گرمای خورشید شروع به خشکاندن گیاهان می کند و گله همپای آب شدن برفها به چراگاههای بالاتر میروند چادرها تا هر چند وقت که ممکن باشد پایین تر، و در جاهایی که بهتر گرم بشود می مانند. برعکس، در پائیز وقتی گله ها به طرف دره سرازری می شوند چادر در پیشاپیش آنها پایین می آیند. خیمه های کردان به خیمه های چادر نشینان عربستان شمالی شباهت دارند. رویه آنها را از تکه پارچه های سیاه و درازی است به نام "**رشمال**": (به کردی یعنی سیاه، وجه تسمیه آن چادرها که به کردی رشمال Rech mal هم می گویند همین

است) که از پشم بز بافته و بهم دوخته اند. 9 تا 15 دیرک نیز به طولهای مختلف و زاویه های متفاوت برای نگهداری آن پارچه به زمین کوبیده شده اند، و تازه خود پارچه هم با طنابها و تسمه های چرمی به تیرهایی بسته شده است. این پارچه بسیار مقاوم است و بافت چنان فشرده و محکمی دارد که وقتی کشیده می شود در برابر آب تقریباً غیر قابل نفوذ است. خود پارچه چادر تا زمین نمیرسد و فضایی که بین آن و زمین از اطراف خالی می ماند با پرچینهایی از باد و باران محافظت میشود که بخصوص بدین منظور درست میکنند. در درون چادر، فرشهایی روی زمین انداخته اند، و این مفرش بودن گاهی چنان زیبا و مجلل است که نظر سیاحان را جلب کرده است. در این باره نکته ای را یادآور می شویم که در فصل سوم همین کتاب راجع به تجارت کرد بیان کردیم و گفتیم که در بعضی موارد، بازرگان کرد می تواند چیزهای نفیسی در اختیار دامداران عمده بگذارد و این کار را هم می کند قسمی که اشیاء درون خیمه چادرنشین روشنگر وضع مالی ساکن آن است و نوعی اختلاف طبقاتی بی چون و چرا را آشکار می سازد. ابعاد و ترتیب افراشتن چادرها نیز متفاوتند؛ چنانکه یکی از سیاحان آلمانی بنام **آ. ف. ماکینتوش** A.F.Mackintosh (در کتاب سرزمین قفقاز و ارمنستان) در حوالی بایزید چادری دیده است به طول 50 پا و بعرض 25 پا، و سیاح آلمانی دیگری به اسم **کیسلینگ** Kiesling (در کتاب سفر به مشرق) در بین النهرین شمالی به چادر یکی از روسای کرد بر خورده که 100 پا طول و 50 پا عرض داشته است. با این وصف، بطور کلی چادرها دارای ابعاد متوسطی هستند و بیشتر هم محقرند. چادرهای بزرگ مخصوصاً، به وسیلهی تجرید بند به اتاقکهایی تقسیم میشوند و تقریباً همیشه یکی از آن اتاقکها به زنان اختصاص ص می یابد. به طوریکه **لیارد** Layard (در کتاب نینوا و بابل) می گوید: (در آن قسمت که به زنان اختصاص دارد اتاقک دیگری هم هست که به رئیس خانواده و زنان او منحصر است. مابقی قسمت زنانه (اندرون یا حرم) پراست از فرش و بالش و لوازم خانه و ظروف آسپزخانه و مشکهای کره زنی و هرچه در زندگی چادرنشینی به آن احتیاج هست. در این قسمت کلفتها برای ارباب و مهمانانش غذا تهیه میکند به تیغه های نیئی درون چادرها اغلب نخهایی از پشم یا ابریشم رنگارنگ میبندند و طرزدرهم انداختن آن نخها به نحوی است که نقشهایی میسازد و آن نقشها بیننده را به یاد گل قالی می اندازد. همهء این قسمتهای متحرک به آسانی بر داشته می شوند؛ البته مانع از جریان هوا نیستند ولی وزش باد را تعدیل می کنند و جلو نفوذ

باران را میگیرند. اندازه‌های آنها نیز بر حسب استفاده ای که از آنها میشود - مثلاً برای تکمیل پوشش رویی به کار می‌روند یا برای ساختن اتاقکهای داخلی - فرق می‌کند. اثاثیه درون چادرها در بعضی موارد عبارت از نیمکتهای مبلی پشتیها و ناز باکشهای متعدد ابرشمین و فرشهای گرانبها و غیره. تعداد چادرهای افراشته در چراگاههای تابستانی در یک محل معمولاً از ده تا پانزده چادر تجاوز نمی‌کند، و این توریبا به تعداد گله‌هایی که در حوزه چراگاه مشخصی نمیتواند از تعداد معینی گوسفند بیشتر باشد تطبیق میکند. اردوگاههای مهمتر تنها در دره‌های باز و وسیعی دیده میشوند که در آنها چراگاههای گسترده ای وجود دارد؛ لیکن این دلایل امنیتی که در بالا به آن اشاره شد هرگز تک چادر کردی در جایی دیده نمی‌شود. باز هم یادآوری میدانیم که چادرکرد چیزی بجز یک چادر تابستانی نیست. حتی در دامنه‌های کوهستان **توروس** جنوبی کردها برای سکونت در زمستان معمولاً دارای منازل دائمی هستند. از طرفی وضع چادر کردی در مقایسه با خیمه‌های چادرنشین قر- قیزی (که از نمد است و بصورت چند لایه روی یک داربست دایره ای شکل نصب شده است) نشان میدهد که چادر کردی قادر به تحمل سرما و اختلاف جوی در زمستان نیست. در کنار این نوع چادر رایج کردی اغلب نیز کلبه‌هایی دیده می‌شود با دو شیب که دارای نامهای مختلفی هستند (کوه، کیروک، زومه و غیره).

[Chia.rabii@yahoo.com](mailto:Chia.rabii@yahoo.com)

2010/01/21

مالمو شوئید

... ادامه دارد

2. پوشاک.

1. لباس مردانه.

